

در باره دعوت سازمان جهانی کار از سندیکای کارگران واحد

برمبنای گزارش سایت دسترنج (سایت منعکسکننده نظرات خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار)، سازمان جهانی کار در روزهای 15 و 16 و همچنین 19 و 20 اسفندماه به ترتیب در تهران و یزد یک کارگاه آموزشی برگزار خواهد کرد.

طبق این گزارش سازمان جهانی کار از خانه کارگر، سندیکای کارگران شرکت واحد و انجمن صنفی روزنامه نگاران و رانندگان بیابانی (وابسته به جبهه مشارکت) دعوت کرده تا در این کارگاه آموزشی شرکت کنند.

آقای ابراهیم مددی (نایب رئیس سندیکای واحد) در گفتگو با این سایت ابراز داشته که: «سازمان جهانی کار طی نامه ای رسماً از سندیکا دعوت بعمل آورده تا در این کارگاه آموزشی شرکت کند».

قطعاً برکسی پوشیده نیست که سازمان جهانی کار -در واقع- به عنوان یک وزارت کار جهانی نظام سرمایه داری و برمبنای سه جانبه گرایی بنیان گذاشته شده است. هدف اصلی این سازمان پیشبرد اهداف و سیاستهای سرمایه داری در جنبش جهانی کارگری است. استثمار بیامان طبقه کارگر و کسب سود بیشتر برای سرمایه داران و تضمین ایجاد محیطی امن برای سرمایه گذاری و همچنین جلوگیری از هرگونه تشنج و اقدامات رادیکال در جنبش کارگری از اهداف اولیه این سازمان می باشد.

اما این که چرا سازمانی با این اهداف در موقعیت کنونی از تشکلی مانند سندیکای واحد دعوت می کند که در کارگاه آموزشی آن شرکت کند و از این طریق برخلاف عملکرد تاکنونی رژیم- این تشکل را به طور ضمنی به رسمیت می شناسد، دارای اهمیت زیادی است که می بایست مورد بررسی قرار گیرد.

همانطور که مطلع هستیم سندیکای کارگران شرکت واحد با تلاش یکپارچه کارگران و پشت سر گذاشتن یک مبارزه نابرابر و زیر شدیدترین سرکوبها و فشارها به همت کارگران این شرکت ایجاد شد. کارگران واحد با برگزاری مجمع عمومی نمایندگان خود را انتخاب کرده و با تصویب اساسنامه، سندیکا را در جامعه اعلام نمودند. تاریخ تاکنونی این اقدام را همه ی فعالین جنبش کارگری می دانند و مطلع هستند که اسانلو در زندان است و بیش تر اعضای هیأت مدیره از کار برکنار شده و در راهروی دادگاه های رنگارنگ سرگردان می باشند و بدون دریافت هرگونه دستمزدی با مقاومت کامل درحال فعالیت می باشند.

استقامت و پایداری فعالین و منتخبین این سندیکا و حمایت های بین المللی از حرکت آنها باعث شد که فدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگران حمل و نقل (باتوجه به اهداف تدوین شده اش) این تشکل را به عضویت خود در آورد.

از طرفی نامه های متوالی این سندیکا به مجمع کارگری جهان جهت فشار بر سازمان جهانی کار برای پذیرش مقاوله نامه های بین المللی

در مورد ایجاد تشکلات مستقل کارگری از طرف ایران، سفر اسانلو به لندن و شرکت او در جلسات فدراسیون کارگران حمل و نقل و اتحادیه‌های جهانی و تأکید بر پذیرش سندیکا به‌عنوان یک تشکل مستقل از طرف سازمان جهانی‌کار، ارسال چندین نامه به‌سازمان جهانی‌کار در مورد عدم صلاحیت هیأت اعزامی رژیم به‌عنوان نماینده کارگران ایران و شکایت اتحادیه جهانی در این مورد، برگزاری چند آکسیون اعتراضی در مقابل این سازمان و طرح خواست کارگران شرکت واحد جهت شرکت در کنفرانس سالیانه این سازمان به‌جای منتصبین دولتی، در مجموع باعث گردید که سازمان جهانی‌کار به‌طور ضمنی و درعمل سندیکای کارگران شرکت واحد را به‌رسمیت بشناسد و همانند سال ۸۵ از آن‌ها برای شرکت در این کارگاه آموزشی دعوت به‌عمل آورد.

با این وجود آشکار است که دعوت هم‌زمان از خانه‌کارگر و دو تشکل جبهه مشارکت به‌همراه سندیکای واحد، مشخص‌کننده‌ی سیاست و هدف این سازمان درجهت ایجاد هم‌گرایی با این تشکلات ضدکارگری و ارتجاعی در جنبش کارگری و جلوگیری از تشنجات احتمالی و ایجاد محیطی امن جهت سرمایه‌گذاری است.

با این وجود، اگر سازمان جهانی‌کار تنها از خانه‌کارگر برای شرکت در کارگاه آموزشی دعوت به‌عمل می‌آورد، قطعاً با اعتراض شدید نهادهای کارگری در سطح جهان روبرو می‌شد که بر وابسته بودن خانه‌کارگر به رژیم تأکید می‌کردند. از طرف دیگر، با توجه به‌اهرم فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری وابسته به‌بلوک شرق سابق (دبلیو اف تی یو) که حمایت و همکاری با خانه‌کارگر از سیاست‌های بنیادی آن است تا جبهه واحد ضدامپریالیستی خود را به‌پیش برد، و همچنین حمایت خود سازمان جهانی‌کار از خانه‌کارگر و شوراهای اسلامی‌کار امکان این‌که تنها از سندیکای واحد دعوت به‌عمل آورده شود، بعید می‌نمود.

با توجه به‌چنین وضعیتی سؤال اساسی این است که آیا فعالین سندیکای واحد بایستی در این کارگاه آموزشی شرکت کنند و به‌دعوت سازمان جهانی‌کار جواب مثبت دهد یا خیر؟ جواب من به این سؤال آری است. به‌چند دلیل مشخص:

۱- در موقعیت کنونی توازن قوا بین کار و سرمایه به‌نفع طبقه‌کارگر نیست.

۲- در شرایط کنونی تنها یک تشکل مستقل کارگری آن‌هم با وضعیت اسفباری که رژیم بر فعالین آن تحمیل کرده در جامعه توانسته نیم‌خیزی بردارد و نیم‌قدی علم کند.

۳- حضور سندیکای واحد در چنین مجامعی برای حفظ و تداوم رسمیت آن در سطح بین‌المللی حیاتی است.

۴- حفظ و تداوم رسمیت بین‌المللی سندیکای کارگران شرکت واحد درعین‌حال مستقیماً به‌معنای به‌رسمیت شناسی بین‌المللی حضور جنبش مستقل کارگری در ایران برای ایجاد تشکلهای مستقل نیز می‌باشد.

۵- طبقه‌کارگر باید از تمامی امکانات و تریبون‌های موجود در جهت بازگویی مسائل خود و پیشبرد اهداف طبقاتی خویش استفاده کند.

در مورد توازن قوا، واقعیت این است که در موقعیت کنونی طبقه‌کارگر در ایران درمجموع در یک حالت تدافعی قرار دارد. رژیم

حتی منتخبین سندیکای واحد را با شگردهای متفاوت (همچون زندان، به‌داگاه کشاندن‌های مکرر و اخراج) از اهداف اولیه‌شان دور کرده است. در حال حاضر فعالین واحد نه جهت تحقق اهداف اعلام شده‌ی اولیه (همچون برگزاری پیمان‌های دسته‌جمعی و...) تلاش می‌کنند، بلکه خواهان بازگشت به‌کار، دریافت دستمزدهای تائیدکننده، عدم پیگیری قضایی در مورد دادگاه‌ها و احکام و... هستند. محمود صالحی را در زیر فشارهای ضدانسانی در زندان عملاً به‌مرگ تدریجی محکوم کرده‌اند. در سطح جامعه به‌جز کوشش بعضی از فعالین از جان گذشته (جهت ایجاد تشکلات مستقل کارگری در محیط‌های کار)، کارگران در کلیت در راستای پرداخت دستمزدهای معوقه، جلوگیری از تعطیلی کارخانجات و بیکار شدن، جلوگیری از انعقاد توافق نامه‌های سفید امضاء جهت کارهای قراردادی و پیمانی و در جهت امنیت شغلی، جلوگیری از اجرای حکم شلاق برای کارگران سنندج، جلوگیری از دخالت نیروهای نظامی و سرکوبگر تلاش می‌کنند؛ که همه‌ی این اقدامات یک حرکت تدافعی است.

اگر اکنون چند تشکل توده‌ای کارگری دیگر در جامعه وجود داشت و یا تشکل سراسری و توده‌ای کارگران در جامعه سامان داده شده بود و بخشی از کارگران همراه با تشکلات خود متحداً و هدفمند در میدان مبارزه حضور عینی داشتند که امیدوارم بزودی در چنین موقعیتی قرار بگیریم - آن وقت انتظار می‌رفت و سیاست درست این بود که اگر سازمان جهانی‌کار از خانه‌کارگر و مشارکتی‌ها نیز دعوت به‌عمل می‌آورد، ضمن تحریم چنین نشستی، فعالین تشکلات مختلف هم‌آهنگ و متحدانه نسبت به این اقدام سازمان جهانی‌کار یک کارزار اعتراضی به‌راه می‌انداختند و ضمن افشای این سیاست ضدکارگری آی ال او و همچنین افشای دگرباره‌ی نقش و ماهیت ضدکارگری این تشکلات از حضور آنها در مجامع بین‌المللی (به‌عنوان نماینده‌ی کارگران ایران) جلوگیری به‌عمل می‌آوردند. امید این است که فعالین شرکت‌کننده سندیکای واحد در این کارگاه به‌اصطلاح آموزشی، همچون سال ۸۵، در این نشست نیز به‌بازگویی مسائل و مشکلات واقعی کارگران بپردازند و عمل‌کرد نزدیک به سه دهه‌ی این تشکلیات مافیایی کارگرسستیز را هرچه روشن‌تر برای شرکت‌کنندگان بازگو کنند و به‌نیاز عاجل کارگران ایران به‌ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت تأکید کنند. امید است که این فعالین ضمن تماس با کارگران شرکت‌کننده در این کارگاه آموزشی، آنها را ترغیب و تشویق کنند که اقدام به‌سازماندهی تشکلات مستقل کارگری در محیط‌های کار را در دستور کار خویش قرار دهند.

گرچه نفس شرکت در این کارگاه آموزشی گام مثبتی در جهت تثبیت سندیکای واحد و تشویق کارگران برای برگزاری مجمع عمومی دوم و فرارفتن از موقعیت کنونی است. اما درعین‌حال این همیاری و اتحاد با سایر بخش‌های کارگری است که آنها را قادر می‌سازد تا با استقامت و بردباری (یعنی: بدون تکیه بر ارگان‌های دولتی، بدون هیچ چشم‌داشتی از آنها و تنها با تکیه بر نیروی خویش) تشکلات مورد نظر خود را سامان دهند و در سطح جامعه اعلام نمایند. این تنها راه پیشرفت و تحمیل نهادهای کارگری به‌رژیم است. بدین‌ترتیب، این رژیم است که در نهایت مجبور خواهد شد به‌وجود این تشکلات در جامعه گردن نهد و از طریق عوامل داخلی و بیرونی خود در عمل - آنها را به‌رسمیت بشناسد. طبیعی است که با افزایش این تشکلات

قطعاً شدت سرکوب کمتر خواهد شد و راه برای ایجاد تشکلات فراگیر مستقل کارگری در سطح جامعه هموار خواهد گردید. امید است در آینده‌ای نه چندان دور شاهد اعلام تشکلات مستقل دیگری در جامعه باشیم. امید است کارگران نیشکر هفت‌تپه، کارگران نقاش، کارگران نفت و گاز و پتروشیمی، کارگران خودروسازی‌ها، کارگران صنایع چاپ و... با ایجاد تشکلات مورد نظر خود سندیکای واحد را از این تنهایی نجات دهند. تنها با وحدت و یکپارچگی کامل است که می‌توان این جرثومه‌های فساد و تباهی را از صحنه جنبش کارگری به دور افکند تا یک جنبش کارگری نوین و مستقل را در جامعه بنیان گذارد و بر بی‌حقوقی مطلق این سه دهه خط بطلان کشید.

فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد راهی بس پر فراز و نشیب را در پیشرو دارند. تثبیت خود به‌عنوان یک تشکل مستقل از تمامی نهادهای سرمایه، به‌صحنه آوردن مجدد تمامی کارگران این شرکت جهت برگزاری مجمع عمومی دوم، رفع تمامی مشکلات موجود، طرح و تثبیت خواسته‌های اولیه، تشویق و ترغیب کارگران اتوبوسرانی در سایر شهرها جهت اعلام تشکل خود، رفتن به‌طرف ایجاد فدراسیون کارگران حمل و نقل در سطح کشور و... همه از مسائلی است که نیرو، انرژی و استقامت بالایی را می‌طلبد. برای رسیدن به این اهداف، ماندن در صحنه مبارزه و تحمیل خود به‌عنوان یک تشکل مستقل از ملزومات اساسی فعالیت این رزمندگان است.

به امید موفقیت این فعالین به ادامه راه‌شان